

تاریخ

محمد مهدی اسلامی
بزهنگار

۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۸، چشم مردم نگران حال امام خمینی بود. جدی بودن بیماری امام تازه به افکار عمومی رسیده بود و در کنار اضطراب ناشی از عشق عمیق امت به امام، مجموعه‌ای از عوامل گوناگون همچون عزل قائم مقام رهبری که دو ماه قبل از آن رخ داده و پس لرزه‌هایش باقی مانده بود، بقای تنش‌های مرزی با عراق پس از آتش‌بس و وجود احتمال حمله مجددی مشابه آنچه در مرداد ماه ۱۳۶۷ و پس از قبول قطعنامه رخ داده بود، نگرانی مردم از افزایش تنش‌های سیاسی میان مسئولان مثلاً آنچه در صحن علنی مجلس دیده می‌شد و... موجی از نگرانی جدی برای آینده انقلاب اسلامی و کشور را پدید آورده بود.

ماجرای نامه یاس آفرین آن ۹۰ نفر

نظر هاشمی رفسنجانی در پی دستگیری‌ها

در همان زمان، آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با لوموند گفت: «لیبرال‌هایی که اخیراً دستگیر شده‌اند کسانی بوده‌اند که ماهیت جاسوسی پیدا کرده‌اند و از امریکا دستور می‌گرفته‌اند.» [۲]

باین حال در خاطرات مورخ ۲۶ اردیبهشت ۶۹، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی نیز چنین نوشته است: «به آقای [علی] فلاحیان [وزیر اطلاعات] گفتم مسائل نامه سرگشاده لیبرال‌ها را به صورت قانونی و بدون افراط بررسی کند.» حجت الاسلام هاشمی در سال ۷۸، تأکید کرد: «بازداشت‌ها اگر مربوط به نامه می‌شده کار نادرستی بوده... بعید است مربوط به نامه باشد.» گفتنی است که بنا بر اخبار رسمی، اظهارات و خاطرات منتشرشده متهمان، فقط یکی از موارد اتهامی دستگیرشدگان، نشر اکاذیب و توهین به مسئولان بود که یک مصداق آن مشارکت در تهیه و انتشار نامه مزبور بود، ولی اتهامات اصلی محاکمه‌شدگان، ارتباط با بیگانگان و اقدامات ضد امنیتی



بوده است. جدای از اعلام رسمی دادسرای انقلاب اسلامی تهران که «تماس‌های پنهان و سازمان دهی شده با محافل بیگانه که به طور مستمر از چند سال قبل تا کنون ادامه داشت» [۳] را دلیل بازداشت اعلام کرده بود؛ استدلالی که در رد بازداشت به دلیل اظهار نظر از سوی مسئولان آن زمان مطرح شد، این بود که اگر نامه‌نگاری اتهام

اصلی بازداشتی‌ها می‌بود، بایستی همه یا اکثر ۹۰ نفر امضاکنندگان تحت پیگرد قرار می‌گرفتند، نه فقط ۲۳ نفر از آنان. ضمناً خاطرات برخی از افراد مزبور نشان می‌دهد که در دوران بازداشت و محاکمه، بسیاری از سؤالات درباره مسافرت به امریکا و تماس‌های آنان با مقامات امریکایی بوده است.

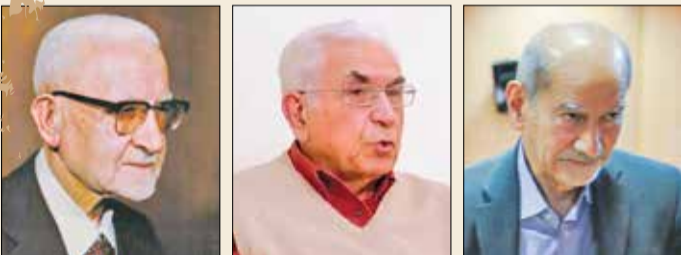


جلسه نهضت آزادی

امضا کردم اما قبول نداشتم

نامه ۹۰ امضایی مذکور را مهندس بازرگان، دکتر سبحانی، دکتر یزدی، و جمعی از اعضا و همفکران نهضت آزادی و جبهه ملی امضا کرده بودند، چند روز بعد از انتشار نامه ۲۳ نفر از امضاکنندگان بازداشت شدند.

دکتر یزدی و سایر سران اصلی نهضت، همچنین اکثریت دیگر امضاکنندگان بازداشت نشدند؛ اما سه ماه پس از انتشار آن نامه، افرادی مانند عزت‌الله سبحانی، اردلان، عبدالعلی بازرگان، محمد توسلی، هاشم صباغیان، منصوریان و بهبهانی بازداشت شدند. مهندس سبحانی بعدها در خاطرات خود گفت:



یدالله سبحانی

فرهاد بهبهانی

محمد توسلی

«متن نامه آنان مورد تأیید بنده نبود ولی به دلیل احترامی که برای مهندس بازرگان و بهبهانی بازداشت شدند. مهندس سبحانی بعدها در خاطرات خود گفت:

«متن نامه آنان مورد تأیید بنده نبود ولی به دلیل احترامی که برای مهندس بازرگان و بهبهانی بازداشت شدند. مهندس سبحانی بعدها در خاطرات خود گفت:



کنگره پنجم نهضت آزادی

مخالفت نهضت آزادی با دستور امام

که علیه رهبر منتخب نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، علیه رئیس جمهور منتخب مردم، علیه رأی بالغ بر ۹۷ درصدی مردم در همه پرسسی، علیه سه رسانه از جناح‌های مختلف، علیه دستگاه قضا و... بود.

پس از عبور موفق نظام از شرایط حساس سال ۱۳۶۸؛ مؤلفه‌های امید به آینده در زندگی مردم کاملاً آشکار بود و فضای نقد و شور انتخاباتی برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس بر فضای سیاسی کشور حکمفرما بود.

در چنین فضای اضطراب‌آلودی، نهضت آزادی با انتشار بیانیه‌ای به مخالفت با دستور امام برای بازنگری در قانون اساسی پرداخت.

آن بیانیه از سوی افکار عمومی مورد توجه واقع نشد و با حضور مردم پای صندوق انتخابات همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پاسخ گرفت.

اما از ۱۲ خرداد سال ۱۳۶۸ تا پایان آن سال، نهضت آزادی ۲۴ موضع‌گیری رسمی دیگر منتشر کرد، بیانیه‌هایی

پمپاژ مجدد موج منفی

حالت خفقان‌آور «نه جنگ نه صلح»، سرگردانی اسیران دو طرف، نگرانی از یورش ناپهنگام مدعیان خارجی و داخلی و گردش‌های نابهنجار روزگار، باید ادامه داشته باشد؟ بدون آنکه آبادی و رفاه و بازسازی موعود و بازگشت ایران به حرکت و حیات صورت جدی و امیدبخش به خود گرفته باشد.»

این نامه البته «به ابتکار جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تهیه و منتشر شد.» اما تعداد زیادی از امضاکنندگان آن عضو نهضت آزادی بودند. فرهاد بهبهانی یکی از مؤسسان این جمعیت درباره آن گفته است: «در سال ۱۳۶۴ با شرکت عده‌ای از اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی و گروهی از منفردان تشکیل شد و در سال ۱۳۶۹ با دستگیری وسیعی از فعالان جمعیت، عملاً از کار افتاد.»

پاشیدن بذر یأس و ناامیدی و پمپاژ موج منفی از سوی نهضت آزادی به همین نقطه منتهی نشد. اعضای این تشکل به همراه دیگر چهره‌های همسو با آن در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای تفصیلی در چهار بند «اقتصادی و اجتماعی و زندگی»، «آزادی و امنیت و از نظر معنوی و مدیریت»، «استقلال و بقا و بازنگری کشور» و «روابط جهانی و سیاست خارجی» منتشر کردند که اوضاع کشور را به چالش و نقد کشیده بود. [۱] به عنوان نمونه در حالی که مذاکرات جنگ به صورت جدی در حال پیگیری بود و چند ماه بعد، بهترین نتایج حاصل شد و دولت وقت به سرعت در حال بازسازی کشور بود؛ در این بیانیه گفته شده بود: «هنوز بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک وطن ما در جنگ صدام جنایتکار بوده و معلوم نیست که تا کی



این نامه البته «به ابتکار جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران تهیه و منتشر شد.» اما تعداد زیادی از امضاکنندگان آن عضو نهضت آزادی بودند. فرهاد بهبهانی یکی از مؤسسان این جمعیت درباره آن گفته است: «در سال ۱۳۶۴ با شرکت عده‌ای از اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی و گروهی از منفردان تشکیل شد و در سال ۱۳۶۹ با دستگیری وسیعی از فعالان جمعیت، عملاً از کار افتاد.»